



۲۰۱۶/۰۳/۱۴



م. نسیم اسیر

ملک الشعراء افغان ها در هجرت

قیام هرات!!

پوره یک ماه بعد از قیام حماسه آفرین هرات، در ۲۴ حمل ۱۳۵۸ ش، غرض اجرای پاره امور ضروری در نمایندگی آریانا افغان هوایی شرکت به هرات سفر کردم. در اولین برخورد، چهره شهر و باشندگانش در نظرم برافروخته و اندوهبار و سوگوار عزیزان از دست رفته شان جلوه کرد، گروهی با نفرت و انزجار، گوشه و کنار جاده ها و پارکها را که در روز قیام، جسد های خونین شهدا قطار افتاده بود نشان میدادند و با تنفر از برخورد نامردانه دولت کمونیستی کردور در سایه طیارات بم افکن شوروی یاد میکردند و گروهی هم با ارتباط به دستگاه استخبارات جهنمی «اکسا» مراقب حرکات و صحبت های مردم بودند تا اگر بتوانند بزعم خود کسانی را بدام بیندازند. این خاطره و دیگر خاطره های ناگوار در عمق دل و احساس باقی ماند، اما شرایط بگیر و ببند دستگاه بر سراققدار جاسوس پرور مجال درد دل کردن و نوشتن نمیداد تا روزی در غربت و مهاجرت با تجلیل ازین روز پر افتخار دوستان از من خواستند تا مطلبی بیاد قیام ۲۴ حوت ۵۷ هرات بنویسم که اینک از نظر تان میگذرد:



امشب دل افسرده را در سینه گریان یافتم

در نغمه های خفته اش سوز فراوان یافتم

آن دل که آزارش نبود، کاری بهر کارش نبود

جز عشق سرشارش نبود، اکنون پریشان یافتم

پرسیدمش از درد او، از آه درد آورد او

در رنگ و روی زرد او، رنج نمایان یافتم

گفتا که این درد و محن، درد عظیم است و کهن

درد شهیدان وطن، کز جور دوران یافتم

میسوخت چون شمع نهان، می گفت با اشک روان
کان خطه جنت نشان یک باره ویران یافتم
آنجا که باغ و راغ بود، چشم و چراغ باغ بود
در سینه گل داغ بود، خاموش و ویران یافتم
در شهر زیبای هرات، کاسوده بود و با ثبات
نه من نشانی از حیات، نه روی خندان یافتم
در روستای راستان، رفتم سراغ دوستان
نی دوستان، نی بوستان، نه آن گلستان یافتم
رفتم بهر سو در طلب، با عالم عجز و ادب
نه آن شبستان طرب، نه آن دبستان یافتم
هر سو به شور و سوز و آه، بیمودم از اندیشه راه
هر جا که بگشودم نگاه، گورشهیدان یافتم
در جست و جوی سالکان، در بارگاه عارفان
چون آب در هر سو روان، نه این و نه آن یافتم
در لانه آزادگان، از فتنه همسایگان
نقش قدم بردگان، زنجیر و زندان یافتم
بزم ستم اندود را، رزم زیان و سود را
جمعیت مردود را، هر سو به جولان یافتم
آنانکه در کشور «اسیر» سنگین دلد و سختگیر
هم خودسراند و بدضمیر، هم سست پیمان یافتم

م. نسیم «اسیر» می ۸۶ م، بن المان